

اتیمولوژی واژه ایران

« کلمه ایران لفظ توری و صفت فاعلی از مصدر ایرمک به معنی اتصال ؛ پیوند و رسیدن است »

در آثار سومری ، واژه ایر ، در کلماتی مثل ایرنی نی به معنی « فدای جنگل سدر » ایر کالا به معنی « فدای زیر فای » به کار رفته است . در این واژه ها «ایر» به مفهوم فدا بکار برده شده است .

واژه ایر در گستره وسیع از منطقه جغرافیایی آسیا ، در بین خلق تورک زبان مورد استفاده قرار (یکی از همین اسامی است . «از شمال شرقی به بستر Irtiş میگیرد . نام رودخانه «ایرتیش» علیای رود ایرتیش ممدود میشود » .

ایر ؛ یا آیر در ترکیب تعداد زیادی از اسامی فعلی نیز دیده میشود « نام روستای ایرانق ((از Iran Ava) از دهستان مهران رود » . « نام روستاهای ایران آباد- Irana [ایرانا=ایر آنا]) به نام savalan توابع مشکین شهر [فیاه] » . نام منطقه ای از دامنه کوه سبلان [ساوالان]))
ایران دره سی

([ایرانچی] از توابع بخش نیر « اما آنچه Irançy « و نام روستای ایرنچی (Iran - Dərəsy))
مأثر اهمیت است ؛ نامی است که هنوز هم در منطقه کوه ساوالان مشاهده میشود « (روستای زیبا و دیدنی ایران یا ایران دره سی درست در قلب سبلان [ساوالان] است « همین واژه ایران در نام روستایی دیگر در بین شهرهای مرند و جلفا نیز به « نام ایران دیبی » مشاهده میگردد .

مرف آخر این که در پاره ای از کتب ؛ ایر ؛ به معنی آهنگ نیز آمده است . (تورک ها به آهنگ های تنظیمی ایر می گویند) .

کلمه «ایر» به معنی زمین و آفریده نیز آمده است . مانند کلمه ایر قیز به معنی زمین باکره و دست نفورده میباشد .

در شاهنامه، ایران نیز مثل رقیب خود توران، بیش از یک واقعیت جغرافیا ئی، نمادی تخیلی داشته باشد. از این روست که بعد از فردوسی این نام نه در شعر شاعری ، نه در اثر جغرافی نگار و مورفی و نه در کتاب سیامی و... به پیشم نمی خورد تا بعد از تفسیر ایران توسط مغولان و بعد از مرگ چنگیزخان امپراتوری عظیم چنگیزی بین چهار نفر از خاندان او تقسیم گردید که به این چهار خاندان چهار اولوس یعنی ملت می گفتند. چهار اولوس ماکم بر جهان چنین بودند :

۱- اولوس ایلخانان در ایران که نوادگان هلاکوفان بودند.

۲- اولوس جغتای در ماورالنهر که نوادگان جغتای بودند.

۳- اولوس قیزیل اوردو در روسیه که نوادگان جوجی خان بودند.

۴- اولوس قوبلای خان در چین که نوادگان قوبلای قان بودند.

چون این چهار اولوس به رقابت هم برخاستند اولوس ایلخانان که نوادگان هلاکوفان بودند دشمنان خود را که اولوس جغتای در ماورالنهر بودند و ممل قدیمی تورکان یعنی «توران» ممسوب می شد تورانی و خود را چون ساکن ایران بودند «ایرانی» نامیدند تا از نظر ایرانیان خود

را «مدافع ایران» جلوه داده و دشمنان را «عوام فریبانه» توران نامیدند تا از جنگ قدیمی ایران و توران - که به زعم ایرانیان- اکثراً" پیروز بودند!!- بهره‌برداری تاکتیکی و تبلیغاتی کنند. پس مغولان به اصطلاح فونفوار اولین دولت بعد از اسلام هستند که به این سرزمین نام «ایران» را نهادند و ایرانیان را دوباره «ایرانی» کردند. ...

برسیم به دوره قاجار که به اتمال زیاد با پیشنهاد فرنگ رفته های آن دوران عبارت « ممالک ممروسه ایران » (معادل اصطلاح امروز: ایالات متحد ایران) ظاهر می گردد.

البته در دوره معاصر در ترجمه برفی آثار قدیم فارسی (مثل تاریخ هردوت و ...) در مقابل کلمه (پارس/پرس/بلادالفرس) در ترجمه «ایران» گذاشته می شود که باید آن را ناشی از ذوق Persia تخیلی آقایان مترجمین امین(!) دانست و ربطی به اصل منابع ندارد تا اوایل قرن بیستم، مردم جهان کشور ما را با عنوان رسمی "پارس یا پرشین" می شناختند، اما در دوران سلطنت رضا پهلوی که بمث رجعت به ایران باستان و تاکید بر ایران پیش از اسلام قوت گرفته بود، ملکه ای از روشنفکران باستان گرا مانند سعید نفیسی، محمد علی فروغی و سید مسن تقی زاده در حکومت پهلوی اول با حمایت مستقیم رضا پهلوی گردهم آمده بودند که به این منظور اقداماتی را انجام می دادند، "سعید نفیسی" از مشاوران نزدیک رضا پهلوی به وی پیشنهاد کرد نام کشور رسماً به "ایران" تغییر یابد، این پیشنهاد در آذر ماه ۱۳۱۳ شمسی رنگ واقعیت به خود گرفت.

در میان اروپائیان این کلمه ایران تنها اصطلاح جغرافیائی شده بود و در کتابهای جغرافیا دشت وسیعی را که شامل ایران و افغانستان و بلوچستان امروز باشد فلات ایران می نامیدند و این سرزمین را بزبان فرانسه « پرس » و به انگلیسی « پرشیا » و به آلمانی « پرزین » و به ایتالیایی « پرسیا » و به روسی « پرسی » می گفتند و در سایر زبان های اروپایی کلماتی نظیر این چهار

کلمه معمول بود .

آنچه به لحاظ تاریخی واقعیت دارد این است که اطلاق نام ایران پس از دوره مغول مجدداً در اسناد و منابع رسمی بر سرزمینی با این محدوده جغرافیایی، باب شده است. اطلاق نام ایران بر یک واحد سیاسی مستقل در این نامیه نه در برابر سرزمین های عربی بلکه دقیقاً به مانند دوران پیش از اسلام در برابر توران بود. اما نه توران قدیم و نه آن نام، بلکه در مقام اولوس هایی که مغولان تشکیل دادند و ایران را به فرزندان تولی دادند که هولاکو فرزند وی و سپس نسل او در راس آن قرار گرفتند.

این کاربرد را در جامع التواریخ رشید الدین فضل الله وزیر برمسته دوره ایلخانی به فوبی مشاهده می کنیم. وی غالباً از این دیار به عنوان «ایران زمین» یاد می کند. برای مثال عنوان فصلی چنین است: «تاریخ خلفا و سلاطین و ملوک و اتابکان ایران زمین و شاه و مغرب و ...» (جامع التواریخ، چاپ روشن، ج ۱، ص ۳۴۳، ۴۶۸، ج ۲، ص ۸۱۲، ۸۵۵، ۹۳۲، و موارد بیشمار دیگر).



